

شدی ناخوانده مهمان من ای عشق رفیق درد و درمان من ای عشق بسوزان یا رهایم کن از این درد چه می خواهی تو از جان من ای عشق

آهسته نظری



ادبی و هنری



محلول یک لیوان روح

صبحگاهان؛ من از تو بر می خیزم باتو محلولی هستم مخلوط در محیط یک فنجان محصور روحی معتقد و رای شعرها و فاصله ها باید سدی بسازم دورادور از حصار بی پولاد به انهدام «چشم زخم»! تو در اندرونی ذهنه، پری زاده ای مقدس هستی. با من و، آزاد

اگر چه سخت گرفتاری و فاصله ی صدایم به زمهریری ایستا تبدیل می شود از هم می گسلد پود رشته های بافته از ردیف! که در من فکر کن که در شبی تاریک به گل های شمعدانی اعتماد کرده ام تا در مسیر من وتو؛ خورشید وار به بدرخشد تکرار در پیچه های باز باید پیام پروازم باشد ها: از گلدان شنیده ام!



فرشته محمد شاهی



کیهان ژولیده انارکی مادرانه

کجا شد سایه ی مادر ز پشت پنجره امشب که بغض خستهای دارم درون حنجره امشب دمام می کند شاید اشارت بر من دلخون مگر بر قلب محزونم نموده سیطره امشب به دنبال چه می گردم زمانی که نمی آید و دارد قلب محزونم هزاران دلهره امشب چراغ خانه خاموش و اسیر غربت دردم ستاره من نمی بینم دگر در گستره امشب مرا این خانه دنیایی، ولی مادر اگر باشد وگر نه من نمی خواهم دگر صد منظره امشب فراق مادری دارم به سینه چون شب هجران به قلبم می زند ماری دوباره چمبره امشب شدم ژولیده ی مادر نمی خواهم دگر چینی اگر در خواب ناز آید مرا او یکسره امشب



اشرف السادات کمانی

فال گوشه من و پنهان غزل ناب شنیدم منتظر بودم و از هر در و هر باب شنیدم سر من گرم خیالات شد و عشق به ناگه بی هوا از سخشن ناله ی بی تاب شنیدم صحنه ی خون و جنون، غرق سفرهای غریبش از شب چارده و جلوه ی مهتاب شنیدم تا ورق می زده ام دفتر عشق از تو سروردم کسی از عشق به دنیا کمی از خواب شنیدم گوشه چشمی به تمنّا که مرا برد به راهی راه بستن که در آن خنده ی شاداب شنیدم به سفر برده مرا سوی وصال و من تشنه در بیابان عطش، نغمه ای از آب شنیدم شوق دیدار تو و خسته دلم بس تک و تنها ساز چنگی زد و من ناله ی مضراب شنیدم



پروین جاویدیا

به دست عشق مردن را تو باور می کنی هر گز ترحم های دشمن را تو باور می کنی هر گز تو را با هر تپش خواندم ولی فریاد من گم شد سکوت تلخ یک زن را تو باور می کنی هر گز چنان پاییز هجرانت مرا خشکاند در غم ها به دست خود شکستن را تو باور می کنی هر گز چه شد خورشید بخت من به خواب مرگ راضی شد غروب صبح روشن را تو باور می کنی هر گز شدم پروانه ای عاشق به گرد شعله ای سوزان بگو ای جان، بگو من را تو باور می کنی هر گز

گزارش های این شماره: سرویس ادبی - هنری: اشرف السادات کمانی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی فقدان سند مالکیت

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی اصلاحی موضوع بند ۶ ماده یک قانون اصلاحی مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی قانون ثبت

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی